

مسئولیت کیفری احزاب سیاسی در حقوق ایران

فرید محسنی*

حسام ابراهیم‌وند**

چکیده

شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی از موضوعات بحث‌برانگیز حقوق جزا است. یکی از مهم‌ترین اشخاص حقوقی حزب است که مسئولیت کیفری آن از جوانب مختلف حائز اهمیت است. این مقاله ابتدا به تعریف، مفهوم و پیشینه حزب پرداخته و پس از تبیین شخصیت حقوقی احزاب و تعیین زمان تشکیل شخصیت حقوقی آن از لحاظ ثبوتی و اثباتی، شرایط قانونی برای فعالیت احزاب را بیان نموده است. ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری برای احزاب و مبانی و ارکان این نوع از مسئولیت از لحاظ نظری و قانونی از جمله مطالب این مقاله است. در این میان با تفکیک فعالیت‌های حزبی، راهکاری را برای نحوه تعیین مسئولیت کیفری احزاب پیشنهاد گردیده است تا ابهامات و ایرادات قانون مجازات اسلامی جدید در تبیین مسئولیت کیفری احزاب مرتفع گردد. قواعد حاکم بر جرایم حزبی، تمایز بین جرایم ارتکاب‌یافته از سوی افراد عادی و اشخاص حقوقی مانند احزاب سیاسی، فرق جرایم حزبی با تخلفات حزبی، شناسایی شخص مسئول در جرایم حزبی، تلازم مجازات شخص حقیقی به همراه شخص حقوقی، مجازات‌هایی که در این خصوص قابلیت اعمال دارند و نحوه اعمال این مجازات‌ها نیز از مسائلی است که در این نوشتار به آنها پرداخته شده است. در بین این سطور به موادی از «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» اشاره و ضرورت بازبینی آن و

Mohseni@afra.net.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

Ebrahimvand@Dr.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۳

مقدم شدن رویکرد حقوقی بر سایر مقوله‌های سیاسی و غیره مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حزب، مسئولیت کیفری، شخصیت حقوقی، جرایم حزبی شده، جرایم حزبی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اهمیت حزب در نظام سیاسی بر هیچ کس پوشیده نیست. در یک نظام دموکراتیک و یا مبتنی بر مردم‌سالاری، حزب لازمه و ضامن توسعه سیاسی و رشد جامعه مدنی است. البته این امر در تاریخ سیاسی ایران آن‌چنان که بایست رشد نیافته است و عملاً با آنچه برخی کشورهای دیگر تجربه نموده‌اند، تمایز فراوانی دارد. از آنجا که نگاه این مقاله به موضوع حزب صرفاً از منظر حقوقی است، لذا بررسی چرایی این امر مجال دیگری می‌طلبد. شاید پس از بررسی حقوقی موضوع از جنبه‌های مختلف، بتوان علل و راهکارهای لازم در این خصوص را به دست آورد. بنابراین کلیه تشکلهایی که در کشور پس از طی مراحل قانونی به عنوان حزب مجوز گرفته‌اند، در محدوده این بررسی قرار می‌گیرند. بر همین اساس تعابیر و قیل و قال‌های مختلف در تعریف و تحلیل موضوع از دیدگاه سیاسی، خارج از قلمرو بحث قرار دارند. نکته حائز اهمیت در مطالعه حقوقی پیرامون احزاب آن است که پدیداری و تولد یک حزب در بستر قانونی محقق می‌گردد. حیات یک حزب به معنی انجام فعالیت‌های حزبی توسط گردانندگان حزب است. اعمال صادره از سوی احزاب که در راستای اهداف تعریف شده حزب در اساسنامه و مرامنامه آن و در چارچوب قانون باشد به «فعالیت‌های حزبی» تعبیر می‌شود. به عبارتی این فعالیت‌ها نباید مخالف قانون باشد، چه‌بسا در مواردی این اعمال جرم تلقی شوند. به همین ترتیب مسأله مسئولیت کیفری احزاب نیز در قلمرو یک قانون قابل بررسی است. بر این اساس باید بررسی نمود که آیا اصولاً احزاب سیاسی به عنوان اشخاص حقوقی به طور تام و کامل محسوب می‌گردند؟ قلمرو مسئولیت آنها تا چه حدی است؟ چه جرایمی از سوی احزاب قابلیت ارتکاب دارند؟ قواعد حاکم بر این جرایم چگونه است؟ آیا بین جرایم ارتکاب‌یافته از سوی افراد عادی و اشخاص حقوقی مانند احزاب سیاسی تفاوت وجود دارد؟ چه موقع می‌توان جرم را به احزاب منتسب کرد؟ فرق جرایم حزبی با تخلفات حزبی چیست؟ مجازات این جرایم بر چه کسی بار می‌شود: مدیران و اشخاص حقیقی تصمیم‌گیرنده یا شخص حقوقی حزب یا هر دوی آنها؟ اصولاً چه مجازات‌هایی در این خصوص قابلیت اعمال دارند؟ و نحوه اعمال این مجازات‌ها چگونه است؟

پاسخ به این سئوالات در گرو تبیین مسئولیت کیفری احزاب و شناسایی آن است. در این مقاله ابتدا تعریف، مفاهیم و پیشینه آن مطرح می‌گردد و پس از بیان شرایط قانونی برای فعالیت احزاب، لزوم شناسایی مسئولیت کیفری احزاب، مبانی و ارکان آن از لحاظ نظری و قانونی و نیز تحولات قوانین مرتبط با موضوع بررسی

می‌شود. طبق تبصره ۵ ماده ۲ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های متقاضی پروانه علاوه بر داشتن شرایط قانونی برای فعالیت‌های حزبی^۱ باید در اساسنامه و مراننامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کنند. فعالیت حزبی در خارج از چهارچوب قانون اساسی و اهداف نظام جمهوری اسلامی نه تنها ممنوع می‌باشد، بلکه می‌تواند جرم نیز تلقی شود. این فعالیت‌ها محور بحث ما را تشکیل می‌دهند. در این نوشتار به دنبال پاسخی برای این سئوالات هستیم که چه موقع فعالیت احزاب وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شود و چه کسی مسئول اعمال انجام‌شده محسوب می‌گردد؟

اصولاً وقتی از احزاب سخن می‌گوییم، احزاب سیاسی را به ذهن متبادر می‌نمایند، یعنی تشکلی که فعالیت سیاسی دارد حزب خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، اصطلاح حزب در زمینه‌های اقتصادی یا حقوقی و نظائر آن به کار نمی‌رود. بنابراین «احزاب سیاسی» معرف تشکلهایی هستند که طبق قانون به وجود آمده‌اند و در جهت اهداف سیاسی و کسب قدرت به فعالیت خود ادامه می‌دهند. واژه «سیاسی» در این عبارت به ماهیت اهداف و اعمال این تشکلهای اشاره دارد که حول محور «قدرت سیاسی» که جوهره سیاست است، قرار دارد.^۲ لذا به نظر می‌رسد عبارت «احزاب» وافی به مقصود بوده و به کار بردن واژه سیاسی در این عبارت، تخصیصی را به وجود نمی‌آورد.

در اروپا از قرن هجدهم، واژه حزب در ادبیات سیاسی متداول شد.^۳

۱. طبق ماده ۵ قانون فعالیت احزاب، برخی از افراد مانند «مظنونان به جاسوسی حسب تشخیص وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا قبل از صدور حکم براءت از دادگاه صالح» از تأسیس حزب، شرکت در هیأت مدیره مشارکت در احزاب و فعالیت حزبی محرومند. علاوه بر این ماده در قوانین دیگری نیز فعالیت حزبی، به مناسبت شغل و حرفه برای برخی از افراد منع شده است. برخی از این افراد عبارت‌اند از:

- کارمندان وزارت امور خارجه (ماده ۸۹ مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۵۲/۳/۷)

- وزیر اطلاعات (بند چهار ماده واحده قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات مصوب ۱۳۶۲/۲/۲۹)
- کارکنان وزارتخانه اطلاعات و سازمان‌های حفاظت اطلاعات و واحدهای اطلاعاتی (ماده ۱۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ و بند هـ ماده ۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۵)

- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (بند د ماده ۱۶ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱)

- کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (بند هـ ماده ۱۷ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۵)

۲. تیندر، گلن، تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدیقی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص. ۷۷.

۳. نقیب‌زاده، احمد، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص. ۱۳.

لاپالمبارا^۱ و واینر^۲ تعریفی از احزاب جدید به دست می‌دهند که مورد قبول اکثر نویسندگان قرار گرفته است.^۳ این تعریف متضمن چهار شرط می‌باشد و به خوبی ویژگی احزاب جدید و فرق آنها با دیگر تشکلات سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد:

۱- حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیان‌گذاران آن فراتر باشد. این شرط دوام و بقای حزب و استقلال آن از بنیان‌گذاران اولیه آن است.^۴

۲- تشکیلات حزبی دارای سازمان مستقر در محل همراه با زیرمجموعه‌هایی می‌باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابل داشته باشند. این شرط فرق حزب با گروه‌های پارلمانی که فاقد تشکیلات مستقر در یک محل و فاقد فعالیت در سطح ملی است را نشان می‌دهد.

۳- اراده رهبران ملی و محلی سازمان بر کسب قدرت استوار باشند نه بر اعمال نفوذ. این شرط وجه تمایز گروه‌های ذی‌نفوذ و گروه‌های فشار است.^۵

۴- حزب باید در پی کسب حمایت عمومی، به‌ویژه از طریق انتخابات، باشد. این شرط ویژگی دموکراتیک احزاب جدید و فرق آنها با گروه‌های بریده از مردم را یادآور می‌شود. همچنین معیار اخیر وجه مناسبی برای تمیز احزاب سیاسی از گروه‌های تروریستی است که به جای تکیه بر رأی مردم به زور متوسل می‌شوند. از سوی دیگر این معیار رابطه نزدیک احزاب با انتخابات را آشکار می‌کند.^۶

در تعریفی ساده می‌توان حزب را در علم سیاست این‌گونه تعریف کرد: «حزب اجتماع افرادی است که از نظر اجتماعی و اقتصادی و فکری دارای مصالح و منافع مشترکی هستند و برای تحصیل قدرت در چارچوب یک برنامه کلی فعالیت می‌کنند».^۷ در علم حقوق بر خلاف علوم سیاسی چندان تلاشی برای به دست دادن یک تعریف

1. Joseph Lalpombara
2. Myron Weiner

۳. جهت اطلاعات بیشتر، ر. ک: خرمی، قاسم، توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، صص. ۳۰ - ۲۶.

۴. بالعکس، در تاریخ سیاسی ایران شاهد مرگ احزاب زیادی با مرگ حیات سیاسی بنیانگذاران آنها بوده‌ایم. ر. ک: رحیمی، اکرم، موانع ساختاری نظام استبدادی و شکست احزاب سیاسی ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.

۵. اکثر احزابی که در ایران، قبل و بعد از انقلاب فعالیت کرده‌اند واجد این خصیصه نیستند و بیشتر گروه فشار تلقی می‌گردند تا حزب؛ هر چند که عنوان حزب را به صورت قانونی برای خود گزیده‌اند. ر. ک: تبریزی‌نیا، حسین، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۷۱؛ دلاوری، ابوالفضل، «زمینه‌های ناپایداری احزاب سیاسی»، فصلنامه نقد و نظر، شماره سوم و چهارم، ۱۳۷۵.

۶. نقیب‌زاده، احمد، منبع پیشین، ص. ۱۷.

۷. یوسفی، ولی‌اله، احزاب سیاسی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۵۱، ص. ۹.

حقوقی از حزب سیاسی نشده است. اما یک تعریف قانونی از حزب در قانون لازم‌الاجرای کنونی در رابطه با احزاب، یعنی «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» وجود دارد. بر اساس بند ۱ ماده ۱ این قانون: «حزب: تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن، در چهارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مرامنامه و اساسنامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کند. حزب می‌تواند تحت عناوین دیگری مانند گروه، جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع و سازمان سیاسی فعالیت کند.»^۱

اصولاً تعاریف قانونی بنابر آثاری که بر آنها مترتب می‌گردد، می‌بایست به صورت دقیق، جامع و مانع ارایه شوند. قانون‌گذار «گروه، جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع و سازمان سیاسی» را نیز در حکم حزب دانسته است. آوردن عبارت «عناوین دیگری» در میان مفاهیمی که قانون‌گذار قصد تعریف آنها را دارد باعث می‌شود تعریف قانونی آماج تفاسیر خلاف مقصود قانون و عدالت واقع شود. به هر حال طبق این ماده احزاب سیاسی باید دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و باید به صورتی به اداره کشور و خط‌مشی کلی نظام مربوط باشد. هرچند این معیار با هدف تعیین‌شده در علم سیاست برای احزاب، یعنی کسب قدرت و مشارکت در قدرت همخوانی دارد، در عین حال وسیع‌تر از آن بوده و اعمال نفوذ توسط «گروه‌های فشار» را هم در بر می‌گیرد.^۲

طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، فعالیت احزاب آزاد است. مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکند و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. ماده ۱۳ «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی»^۳ نیز حقوق و امتیازاتی را به عنوان فعالیت‌های مجاز احزاب معرفی نموده است؛ مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۸ این قانون و نیز رفتار خلاف سایر قوانین و مقررات (از جمله جرایم) نگردند. فعالیت‌های غیرقانونی که موجب مسئولیت کیفری می‌گردد، محور اصلی بحث حاضر می‌باشد.

۱. ماده ۱ «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ مجلس شورای اسلامی بیان داشته بود: «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.»

۲. برای شناخت تمایز «گروه فشار» و «حزب» ر.ک: نقیب‌زاده، احمد، منبع پیشین، ص. ۲۱.

۳. ماده ۱۳ - احزاب دارای پروانه فعالیت در چهار چوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند: ...»

نکته دیگر در تعریف ذکر شده این است که حزب توسط یک گروه اشخاص حقیقی تأسیس می‌شود و این نشانگر آن است که حزب دارای شخصیت حقوقی می‌باشد. برای روشن شدن مسئولیت کیفری احزاب لازم است ابتدا شخصیت حقوقی حزب از منظر حقوقی مورد توجه قرار گیرد.

۱. شخصیت حقوقی احزاب

در ادبیات حقوقی کامن‌لو، اساساً «شخصیت حقوقی» با «شخص حقوقی» بسیار متفاوت است. به بیانی ساده «شخصیت حقوقی ظرفی برای دارا شدن حقوق و تکالیف برای اشخاص است.»^۱ اشخاص نیز در علم حقوق به دو دسته‌ی «اشخاص حقیقی (طبیعی)» و «اشخاص حقوقی (ساختگی یا مصنوعی)» تقسیم می‌شوند. به عبارتی، شخص حقوقی به شرکت‌ها و نهادها و مؤسساتی اطلاق می‌شود که با اجازه قانون‌گذار، مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آنها، دارای حقوق و تکالیفی می‌شوند و محدودیت‌ها و تشریفات نیز بر آنها تحمیل می‌شود تا در نهایت، مصلحت اشخاص حقیقی بهره‌مند از این شخص حقوقی، مراعات گردد. بنابراین وجود شخص حقوقی و شخصیت آن، به اعتباری است که ناشی از دیدگاه‌های فلسفی حقوقی می‌باشد. بر اساس یکی از تعاریف ارائه شده «شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف مستقل را دارد.»^۲

همان‌طور که اشاره گردید، بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون فعالیت احزاب، حزب توسط یک گروه اشخاص حقیقی تأسیس می‌شود.^۳ بنابراین حزب از مصادیق بارز شخصیت حقوقی می‌باشد که توسط اشخاص حقیقی تأسیس می‌گردد. ذکر اینکه لازم است که حزب تنها توسط اشخاص حقیقی شکل می‌گیرد و اشخاص حقوقی قادر به ایجاد آن نیستند.^۴ از دیگر دلایل مثبت شخصیت حقوقی برای احزاب، لزوم وجود

1. Martin, Elizabeth, Oxford Dictionary of Law, 7th edition, Oxford, Oxford University Press, 2003.

۲. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص. ۱۳. به نظر می‌رسد که تعریف فوق، به تعریف شخص حقوقی نزدیک‌تر است و نویسنده نیز قصد تعریف شخص حقوقی را داشته است. به عبارتی، در ادبیات حقوقی کشور ما شخصیت حقوقی و شخص حقوقی یکی در نظر گرفته می‌شود.

۳. «ماده ۱ - اصطلاحات به کار رفته در این قانون دارای معانی مشروح زیر می‌باشند: ۱- حزب: تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی ...»

۴. طبق ماده ۲ «آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» نیز تأسیس‌کنندگان گروه (هیئت مؤسس) الزاماً اشخاص حقیقی بودند.

«اساسنامه»^۱ و «هیئت مؤسس»^۲ برای تشکیل احزاب است. این دو، مخصوص اشخاص حقوقی و از لوازم اساسی برای تشکیل غالب شخصیت‌های حقوقی می‌باشند.

یکی از مسائل مربوط به مسئولیت کیفری احزاب که به شخصیت حقوقی احزاب مربوط می‌شود، زمان تشکیل شخصیت حقوقی احزاب است. این موضوع در مورد سایر انواع اشخاص حقوقی نظیر شرکت‌های تجاری نیز حائز اهمیت است. مثلاً، قانون در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری بر اساس نوع آنها احکام متفاوتی را پیش‌بینی نموده است.^۳ یکی از نکات مهم در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی برای احزاب سیاسی، تفکیک میان مرحله ثبتی و اثباتی آنها است. شخصیت حقوقی از مقوله و جنس شخصیت اعتباری است، نه وجود خارجی. وجود اعتباری تنها از طریق رعایت تشریفات قانونی و ثبت در دفتر مخصوص به منصفه ظهور می‌رسد و قبل از آن در عالم خارج هیچ اعتباری ندارد.^۴ این تفکیک در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی حزب نیز لازم است. با این توضیح که شخصیت حقوقی احزاب نیز در زمان تشکیل هیئت مؤسس و امضای اساسنامه آن از لحاظ ثبتی تشکیل می‌شود. اما تا این زمان گویی نطفه حزب شکل گرفته ولی برای موجودیت یافتن در جهان خارج و قابلیت دارا شدن حقوق و تکالیف وجود شرایط دیگری نیز ضروری است. از جمله لازم است ابتدا اساسنامه آن از طریق فرمانداری به اطلاع وزارت کشور برسد. از آنجا که قابل اجرا بودن اساسنامه از شرایط اساسی برای فعالیت حزب می‌باشد،^۵ لذا زمان انتشار اساسنامه حزب در روزنامه رسمی را می‌توان به عنوان مرحله اثباتی و زمان قانونی تشکیل حزب دانست. مسئولیت کیفری احزاب نیز از این زمان مستقر می‌گردد و جرایم ارتكابی قبل از آن را نمی‌توان به شخصیت حقوقی حزب منتسب دانست.

۱. بر اساس بند ۱۲ ماده ۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی «اساسنامه، سند مصوب مجمع عمومی است که بیان‌کننده ساختار تشکیلاتی و ارکان و حدود وظایف و اختیارات، نحوه تعیین و تغییر اعضاء، شرایط تغییر و اصلاح مرامنامه و اساسنامه، مبنای اعتبار اسناد اداری و مالی، تعیین منابع مالی، نحوه انحلال حزب و سایر موارد مصرح در این قانون می‌باشد.»

۲. بر اساس بند ۱۲ ماده ۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی: «هیأت مؤسس: اشخاص حقیقی می‌باشند که امور مربوط به تأسیس و وظایف مرتبط را پیگیری نموده و برای دریافت مجوز تأسیس و پروانه فعالیت اقدام می‌نمایند.»

۳. به عنوان مثال انتهای ماده ۱۷ لایحه اصلاح قانون تجارت به زمان تشکیل شرکت‌های سهامی اشاره کرده است.

۴. شاملی، مجید، «زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکت‌های سهامی»، نشریه وکالت، شماره ۲۷ و ۲۸، دی‌ماه ۱۳۸۴، ص. ۵۲.

۵. همانند حکم تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب.

۲. مبانی و ارکان مسئولیت کیفری احزاب

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، احزاب دارای شخصیت حقوقی هستند و لذا هنگام نقض قوانین کیفری توسط آنها باید همانند واکنش حقوق کیفری نسبت به اشخاص حقوقی، به آنها نیز واکنش کیفری نشان داد. البته گاهی از اوقات فعالیت احزاب رنگ جرایم سیاسی را به خود می‌گیرد که در این صورت بر اساس قانون و اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری باید به شیوه‌ای متفاوت نسبت به سایر شخصیت‌های حقوقی با آنها رفتار کرد. شخص حقوقی بودن نیز مستلزم برخورد کیفری متفاوتی با اشخاص حقیقی است. مانند مجازات‌های خاص این اشخاص که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

پذیرش شخصیت حقوقی و آثار آن برای قبول مسئولیت کیفری و قابلیت انتساب فعل مجرمانه به آن کافی نیست. «به عبارتی دارا شدن حق، مستلزم قبول مسئولیت کیفری نیست و این یکی از نقاط افتراق حقوق جزا با حقوق خصوصی است.»^۱ هرچند در میان حقوق‌دانان نیز برخی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی معتقدند و برخی نیز منکر وجود آن هستند،^۲ اما گرایش غالب در اغلب کشورها به سوی پذیرش مسئولیت کیفری این اشخاص است.

در قانون اساسی مشروطیت کلمه «حزب» یا «احزاب» به کار برده نشده بود و به جای آن در اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی از اصطلاح «انجمن‌ها و اجتماعات» بهره جستند. قوانینی که بعدها توسط مجلسین یا هیأت دولت در ارتباط با احزاب تدوین شد متأثر از این ماده بودند و بدان تصریح و استناد کردند. از آغاز مشروطیت تا انقراض رژیم سلطنتی ایران، هرچند پاره‌ای از قوانین در رابطه با احزاب تصویب شد، ولی می‌توان گفت که این قوانین اهمیت چندانی نداشتند و بیشتر در رابطه با تعیین تکلیف اموال احزابی بودند که به استناد اصل مذکور منحل گشته بودند. با این حال، در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصطلاح «احزاب» و «جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی» صریحاً به کار برده شد و بعدها نیز توسط هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی قوانینی در این باره تدوین گردید، که بیانگر اهمیت تحزب در نظام جمهوری اسلامی ایران است. قانون لازم‌الاجرای کنونی «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» است که جایگزین قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها

۱. محسنی، فرید، «تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها از نظر تا عمل»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۱ و

۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص. ۳۰.

۲. ر.ک: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹؛ صفار،

محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۸۲، ص. ۹۹.

و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ شده است. قانون فوق مشتمل بر بیست‌وسه ماده و چهل‌وهشت تبصره در تاریخ ۹۴/۱۱/۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأیید بندهای (۲) و (۱۳) ماده (۱)، تبصره (۲) ماده (۷)، ماده (۸)، بند (۵) و تبصره (۵) ماده (۱۰) و تبصره (۲) ماده (۲۲) موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. ضمناً اعتبار مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ده سال است و پس از انقضاء این مدت قابل تمدید خواهد بود.

ماده ۱۸ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی برخی از فعالیت‌هایی ممنوع برای احزاب را برشمرده است. این ماده در مقام بیان تخلفات احزاب بوده و نه تعیین جرایم احتمالی برای ارتکاب توسط احزاب. با دقت در این ماده مشخص می‌گردد که برخی از موارد مذکور در این ماده (مانند دریافت هر گونه کمک مالی از بیگانگان) فی‌نفسه جرم نیستند و یا حداقل با تحقق برخی شرایط دیگر جرم به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر این ماده در پی جرم‌انگاری برای فعالیت احزاب نبوده و اینها تخلفاتی هستند که تنها در کمیسیون ماده ۱۰ - که یک مرجع اداری و نه قضایی است - قابل رسیدگی می‌باشد.

علاوه بر قانون مذکور، در هیچ‌کدام از قوانین قبلی نیز به مسئولیت کیفری احزاب اشاره‌ای نشده و فقط به ذکر تخلفات و اعمال ممنوعه از سوی احزاب بسنده شده است. در قانون جدید، پس از ذکر تخلفات و عنوان برخی جرایم، مقرر گردیده است که تصمیم کمیسیون^۱ درباره تخلفات گروه‌ها، مانع از تعقیب قضایی جرایم ارتكابی نخواهد بود و بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۹ در مواردی که جرم مربوطه عنوان جرم سیاسی داشته باشد، این رسیدگی با حضور هیأت منصفه موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی صورت می‌پذیرد.^۲ در بند پ ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نیز به این امر تصریح

۱. ماده ۱۰ این قانون مقرر می‌دارد: «به منظور صدور پروانه جهت تشکیل حزب و نظارت بر فعالیت احزاب و انجمن‌های اقلیت‌های دینی و انجام وظایف تصریح‌شده در این قانون، کمیسیون احزاب به شرح زیر در

وزارت کشور تشکیل می‌شود:

۱- نماینده دادستان کل کشور

۲- نماینده رئیس قوه قضاییه

۳- یک نماینده از میان دبیران کل احزاب ملی و یک نماینده از میان دبیران کل احزاب استانی دارای پروانه فعالیت بدون حق رأی

۴- معاون سیاسی وزارت کشور

۵- دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین نمایندگان داوطلب.»

۲. طبق ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت «دادگاه کیفری یک» است که جایگزین دادگاه کیفری استان شده است.

شده است و «جرایم مندرج در بندهای (د) و (هـ) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰» از مصادیق جرم سیاسی شناخته شده است. به عبارت دیگر، قانون فعالیت احزاب کاربردی در دادگاه‌های کیفری ندارد و تنها کمیسیون ماده ۱۰ است که می‌تواند به آن رجوع کند. دلیل این مسأله آن است که «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» فاقد هر گونه نگاه کیفری به احزاب است و تکلیفی برای مراجع قضایی در این قانون آورده نشده است. بر همین مبنا قانون‌گذار تنها وظایف و اختیارات خاصی را (به شرح ماده ۱۱) به کمیسیون ماده ۱۰ نسبت داده است. در ماده ۱۹ آمده است: «احزاب سیاسی که دارای پروانه فعالیت نهایی هستند، در صورتی که مرتکب تخلفات مذکور در ماده (۱۸) شوند، کمیسیون احزاب متناسب با موارد تخلف یک یا چند مورد از موارد زیر را اعمال می‌کند:

- ۱- تذکر شفاهی؛
- ۲- تذکر کتبی با ذکر دلیل و تعیین تخلف با قید محرمانه؛
- ۳- اخطار و اعلان از رسانه‌ها؛
- ۴- محرومیت از تمام یا بخشی از یارانه‌ها و کمک‌های دولتی؛
- ۵- تعلیق فعالیت حزب حداکثر به مدت سه ماه؛
- ۶- توقیف پروانه به مدت سه ماه تا یک سال؛
- ۷- توقیف پروانه فعالیت و تقاضای انحلال از دادگاه.»

به عبارتی، کمیسیون حق انحلال احزاب را به طور مستقل ندارد و این امر در اختیار محاکم قضایی قرار دارد. متأسفانه قانون جدید نیز فاقد هر گونه نگاه متخصصانه حقوق کیفری به احزاب است، زیرا کمیسیون ماده ۱۰ با توجه به سابقه فعالیت سی ساله خود و در نظر داشتن صرف تجربیات محدود به حوزه کاری کمیسیون، اصلاحاتی را در طرح گنجانده که اغلب در راستای تصمیمات و اختیارات خود کمیسیون است و با توجه به اینکه کمیسیون از اختیارات قضایی برخوردار نبوده و پیگیری جرایم احزاب قانوناً در محاکم قضایی صورت می‌گرفته است، تدوین‌کنندگان طرح اصلاح قانون احزاب، صرفاً از بُعد خاصی این طرح را تدوین نموده‌اند. لذا طبیعی است که پاسخ برخی از سئوالات جزایی را نمی‌توان در آن یافت.

بر اساس اصول کلی، جرایم احزاب نیز در محاکم قضایی رسیدگی می‌شود. اما اینکه چه کسی مسئول جرایم ارتکاب‌یافته است، در این قوانین مشخص نشده است. آیا مسئولیت کیفری بر شخصیت حقوقی حزب بار می‌شود و یا اشخاص حقیقی گرداننده احزاب و افرادی که مستقیماً در ارتکاب جرم نقش داشته‌اند، مسئول هستند؟

برای پاسخ به این سؤال در حال حاضر باید به اصول موجود در قوانین جزایی مراجعه نمود. البته قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تا حدی تکلیف را روشن ساخته است که در ادامه به آن نیز اشاره می‌شود.

اغلب جرایمی که از سوی احزاب قابلیت ارتکاب دارند، جرایم تعزیری هستند. در مورد جرایم مستوجب مجازات دیه، به خاطر ماهیت خاص این مجازات و غلبه داشتن جنبه مالی آن، مشکلی در مورد مسئول دانستن حزب وجود ندارد و با توجه به تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا و ماده ۵۰۵ همین قانون می‌توان یک حزب را در صورت جمع بودن شرایط قانونی به پرداخت دیه محکوم نمود. در مورد جرایم مستوجب قصاص نیز تکلیف مشخص است و امکان ارتکاب جنایت و اجرای قصاص در مورد احزاب وجود ندارد؛ هرچند که اعضای حزب، در راستای اهداف حزب بتوانند مرتکب جنایت بر تمامیت جسمانی افراد شوند. در مورد جرایم مستوجب مجازات‌های حدی ابهاماتی وجود دارد که در هنگام تشریح «جرایم حزبی» و «جرایم حزبی‌شده» و به آن می‌پردازیم. در اینجا تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که با توجه به ریشه فقهی حدود و اصول و قواعد خاص حاکم بر آنها، امکان بار نمودن مجازات جرایم حدی بر شخصیت حقوقی حزب وجود ندارد، هرچند که اعضای حزب در قبال ارتکاب آن مسئول هستند. به هر حال، طبق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید، شخص حقوقی حزب در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی حزب به نام و یا در راستای منافع آن حزب مرتکب «جرمی» شود. مفهوم «جرمی» در این ماده اطلاق دارد و محدود به جرایم تعزیری نشده است. ولی به نظر می‌رسد امکان تحقق جرایم حدی از سوی اشخاص حقوقی منطبق با شرع و مطابق نظر مقنن نباشد، چراکه این جرایم ریشه در منابع فقهی دارند و برای ایجاد حکم جدید در آنها نیاز به نص یا حداقل فتوای فقهی معاصر است. شایسته است که قانون‌گذار، امکان ارتکاب جرایم مستوجب حد از سوی اشخاص حقوقی را صراحتاً مشخص نماید.

سؤال دیگری که باید به آن پاسخ گفت این است که آیا اساساً لزوم یا ضرورتی بر شناسایی مسئولیت کیفری احزاب وجود دارد؟ در ادامه به این بحث می‌پردازیم.

۱-۲. ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری احزاب

با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در وجود مسئولیت کیفری برای شخصیت حقوقی حزب تردیدی وجود ندارد. اما قبل از بررسی احکام آن، جواب دادن به این سؤال بسیار مهم است که آیا لزومی بر بار کردن مسئولیت بر خود شخصیت حقوقی حزب وجود دارد؟ یک نظر این است که با توجه به اینکه تحزب یکی از

مهم‌ترین ابزارها برای نیل به جامعه سیاسی مردم‌سالار و ضامن توسعه سیاسی و پیشرفت کشور است، افراد نمی‌توانند در پوشش احزاب برای نیل به مقاصد شخصی خود و رسیدن به اهداف سیاسی و غیرسیاسی از مجاری غیرقانونی گذر کرده و از مسئولیت کیفری بگریزند. لذا در صورت وقوع جرم تنها اشخاص حقیقی هستند که بایستی بتوان اعمال خود را بپردازند. نظر متصور دیگر این است که شخصیت حقوقی حزب جدای از شخصیت اشخاص تشکیل‌دهنده آن است. همان‌طور که موفقیت‌های یک حزب در عرصه سیاسی برای خود حزب شناخته می‌شود، نه اعضای آن و حتی اغلب ارتکاب جرم نیز در راستای اهداف سیاسی حزب صورت می‌پذیرد، بهتر است که خود شخصیت حقوقی حزب مسئول کیفری قلمداد شود، زیرا اراده افراد یک حزب با هم ادغام شده و تصمیمی که در نهایت گرفته می‌شود، برخاسته از نهاد حزب است. به علاوه، جرایم حزبی دارای انگیزه سیاسی بوده و چه‌بسا اعمالی این‌چنین که از یک حزب سر می‌زند، مورد قبول حامیان و توده‌های مردمی پشتیبان آن باشد. از این رو بایستی نسبت به آنان نگاهی ملایم‌تر داشت. این دیدگاه باعث ایجاد انگیزه برای افزایش فعالیت‌های حزبی و تحزب‌گرایی در جامعه می‌شود که بی‌گمان عامل مؤثری در توسعه نظام سیاسی و پیشرفت کشور است. نظر دیگر که شاید بهتر از این دو باشد این است که قائل به تفکیک باشیم که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم. البته این نظر صرفاً یک پیشنهاد برای منطبق کردن مسئولیت کیفری مستقیم احزاب با مبانی حقوق اسلامی و حقوق موضوعه می‌باشد و در مواد قانونی همه جزئیات این نظر وجود ندارد، هر چند قانون‌گذار می‌تواند این شیوه را با تصویب در قوانین مربوطه در پیش بگیرد.

نقش کلیدی احزاب در کنترل قدرت در جامعه و لزوم تداوم حیات حزب به عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی در شناسایی احزاب، ضرورت تفکیک مسئولیت حزب از مسئولیت اعضای آن را می‌طلبد. از آثار این تفکیک، توجه به مرتبه سازمانی اعضای حزب است. تفاوت اعمال «گرداندگان حزب» به عنوان قوه عاقله و هدایت‌گر شخصیت حقوقی و «اعضای معمولی» که از دستورات مدیران پیروی می‌کنند و مجری منویات آنان هستند، بایستی موجب تفاوت امکان مسئول دانستن شخصیت حقوقی حزب شود. چنانچه ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید را مبنای مسئولیت کیفری حزب بدانیم، این مهم برآورده نخواهد شد. توضیح اینکه «قانون‌گذار در مقام اعمال مسئولیت نیابتی، هیچ تلاشی برای تفکیک بین مرتبه سازمانی نمایندگان شخص حقوقی نکرده است، حال آنکه بین رفتار مدیران و نمایندگان معمولی تفاوت وجود دارد. اهتمام به جایگاه این دو گروه به اعتبار آثاری که در پی دارد، حائز اهمیت است. از جمله چنانچه نماینده معمولی شخص حقوقی، مقررات را نقض کند، مدیران قادرند با اثبات اینکه

کوشش لازم را برای جلوگیری از ارتکاب جرم به خرج داده‌اند، موجبات تبرئه شخص حقوقی را فراهم سازند.^۱ شورای اروپا نیز در اصول راهنمای خود، خطاب به کشورهای عضو به این موضوع تصریح نموده است.^۲

قانون‌گذار انگلستان در فصل بیستم از «قانون احزاب سیاسی، انتخابات و همه‌پرسی‌ها، مصوب سال ۲۰۰۰»^۳ به این مطلب توجه داشته و در مورد جرایم و تخلفات احزاب به تفکیک بین مسئولیت حزب، گردانندگان اصلی و اعضای عادی آن پرداخته است.

۲-۲. نظریه مسئولیت کیفری احزاب سیاسی

به منظور تبیین مسئولیت کیفری احزاب سیاسی، جرایم سرزده از یک حزب را می‌توان به دو دسته «جرایم حزبی» و «جرایم حزبی‌شده» تقسیم نمود. جرایم حزبی جرایمی هستند که یا تنها از سوی نهاد حزب قابل ارتکاب هستند و یا اینکه در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند، ارتکاب یافته و خالی از هر گونه خشونت باشند. به عبارتی این جرایم از مصادیق بارز «جرم سیاسی» هستند. اما جرایم حزبی‌شده جرایمی هستند که در پوشش احزاب ارتکاب یافته‌اند و هیچ‌گونه ملازمه‌ای با اهداف مشروع احزاب نداشته و نیز منطبق با تعریف جرایم سیاسی نباشد. اما اکثر حقوق‌دانان ویژگی‌های خاصی را برای جرایم سیاسی قبول کرده‌اند، از جمله داشتن هدف کاملاً سیاسی، عاری بودن از خشونت و متوجه بودن جرم نسبت به دولت.^۴

طبق این نظر «جرایم حزبی» جرایمی هستند که در مورد آنها امکان حمل مسئولیت کیفری بر شخصیت حقوقی وجود دارد. در حالی که در «جرایم حزبی‌شده» تنها اشخاص حقیقی دخیل در ارتکاب جرم را می‌توان مسئول دانست. بر این اساس جرایمی که مستلزم مجازات قصاص، دیات و حدود هستند و یا مشتمل بر ویژگی خشونت می‌باشند، به طور کلی یا قابل انطباق با عنوان جرایم حزبی نیستند و یا اصولاً از سوی شخصیت حقوقی حزب قابل ارتکاب نیستند تا بتوان مسئولیت کیفری را بر حزب بار کرد. بنابراین، در این موارد مسئولیت کیفری متوجه اشخاص حقیقی خواهد بود. البته باید توجه داشت که در مواقعی که شخص حقوقی حزب مجازات می‌گردد،

۱. شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ عیسایی تفرشی، محمد؛ و محمد فرجیها، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص. ۶۸.

2. Wells, Celia, Corporation and Criminal Responsibility, 2nd edition, Oxford, Oxford University Press, 2001, p. 122.

3. Political Parties, Elections and Referendums Act 2000, Parliament of the United Kingdom.

۴. برای اطلاعات بیشتر رک: زراعت، عباس، جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷، ص. ۲۸.

چنانچه اشخاص حقیقی با سوءنیت و انگیزه‌های مجرمانه در ورای شخصیت حقوقی حزب مرتکب جرم شده باشند، این امر نباید مانعی برای مسئول دانستن اشخاص حقیقی مرتکب جرم باشد. زیرا هم منافع سوء خود را پیگیری کرده‌اند و هم به رشد و توسعه فعالیت‌های حزبی و تحزب آسیب رسانده‌اند. در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بر این امر تأکید شده است.

بنابراین تفاوت ویژگی‌های جرایم حزبی و حزبی‌شده را می‌توان به شکل زیر

بیان کرد:

در جرایم حزبی، ماهیت جرم سیاسی است؛ انگیزه جرم سیاسی است؛ تنها از سوی احزاب قابلیت ارتکاب دارند و یا در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند ارتکاب می‌یابند؛ خالی از هر گونه خشونت می‌باشند؛ گردانندگان اصلی حزب دستور ارتکاب جرم را می‌دهند یا از وقوع جرم مطلع هستند؛ و انگیزه‌های شخصی در ارتکاب جرم بی‌تأثیر است و یا اینکه در درجات بعد از مناسبات سیاسی قرار دارد. اما در جرایم حزبی‌شده، یک یا چند مؤلفه از موارد مذکور موجود نیست. در مورد ارتداد ممکن است شبهه‌ای وجود داشته باشد. کما اینکه مواردی از این قبیل در تاریخ انقلاب اسلامی نیز قابل بررسی است. در این خصوص باید گفت که هرچند در قانون مجازات سابق و جدید ارتداد مورد تصریح قرار نگرفته است، ولی بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد حدودی که در قانون ذکر نشده است (از جمله ارتداد) طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی عمل می‌شود. به عبارتی ارتداد به طور غیرمستقیم جرم‌انگاری شده است و می‌توان با رجوع به منابع فقهی معتبر مجازات و احکام ارتداد را تعیین نمود.

اما به نظر می‌رسد این مورد نیز از «جرایم حزبی» به شمار نمی‌آید، زیرا طبق ماده تبصره ۵ ماده ۲ قانون فعالیت احزاب، احزاب باید صراحتاً التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اساسنامه و مرامنامه خود ذکر کنند. بنابراین، نفی ضروریات دین مبین اسلام پس از تشکیل حزب مغایر با اساسنامه و مرامنامه حزب تأسیس شده خواهد بود و این امر باعث می‌شود تا ارتداد با تعریفی که از «جرایم حزبی» عنوان کردیم، همخوانی نداشته باشد. از سوی دیگر، ارتداد در زمره جرایم سیاسی نیست. در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نیز به ارتداد اشاره نشده و حتی با تعریف جرم سیاسی در ماده ۱ و مصادیق جرم سیاسی در ماده ۲ این قانون نیز سازگار نیست. بنابراین، در این مورد نیز اشخاص حقیقی پاسخگوی اعمال و رفتار خود خواهند بود، هرچند که می‌توان احزاب چنین افرادی را توسط اقدامات تأمینی و یا اختیار دادگاه با تقاضای کمیسیون ماده ۱۰ منحل نمود. انحلال حزب از این طریق به عنوان

مجازات شخصیت حقوقی حزب نخواهد بود و جدای از مسئولیت کیفری مستقل حزب، اعمال خواهد شد.

اما در مورد «جرایم حزبی» که همگی تحت عنوان تعزیرات قرار دارند، با توجه به بنیادهای حقوقی که در این جرایم کاربرد دارند، از جمله نهاد تبدیل مجازات، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر و تفاوت رسیدگی در جرایم سیاسی با جرایم عادی، هیچ‌گونه منعی برای مسئول دانستن شخص حقوقی حزب نداریم. قانون مجازات اسلامی جدید نیز مشکل انتخاب مجازات خاص برای شخصیت حقوقی حزب را برطرف کرده است. هرچند که مجازات‌های مذکور تناسب زیادی با احزاب به عنوان یک شخص حقوقی خاص و متفاوت از سایر اشخاص حقوقی ندارد.

از لحاظ نظری، مشکل عنصر معنوی را نیز می‌توان با تمسک به نظریات طرفداران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حل نمود.^۱ از نظر وجود قصد در احزاب باید از «اراده جمعی» در مورد آنها نام برد که همچون اراده فردی می‌تواند خطا کند. بی‌تردید اشخاص حقوقی چون اشخاص حقیقی و به مانند ایشان عمل فیزیکی خارجی که مبین تجلی اراده مجرمانه آنها باشد انجام نمی‌دهند، اما چون محرک در فعالیت‌های مادی هستند، می‌توان آنها را به عنوان «فاعل حقیقی» یا در برخی موارد تحت عنوان «معاون» شناسایی کرد. ممکن است ایراد شود که این مسأله به اصل شخصی بودن جرایم خلل وارد می‌کند. اما چنین نیست. زیرا همچنان که عنوان شد، اراده فردی جای خود را به اراده جمعی می‌دهد. احزاب توسط اعضایی که دارای اراده و اختیار آزاد هستند (به عنوان مثال اعضای هیأت رهبری یا اجرایی) اداره می‌شوند که شخص حقوقی حزب بالتبع دارای چنین اراده‌ای است و باید پاسخگوی اعمال خود باشد. لذا شخص حقوقی حزب در صورت ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری است.

همچنین می‌توان به «نظریه مسئولیت کلی‌نگر» که طرفداران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه نموده‌اند، اشاره کرد که از دیدگاه آنان به مبنایی برای مسئولیت مستقیم و مستقل اشخاص حقوقی بدل شده است. «بر مبنای این نظریه، یک شخص حقوقی می‌تواند باعث ایجاد یک محیط خطرناک گردد که جرایم در آن قابلیت ارتکاب دارند و در چنین حالتی اشخاص حقوقی مستقیماً در مقابل چنین اعمال مجرمانه‌ای مجازات می‌شوند.»^۲

در شرایط کنونی و با توجه به قوانین حاکم، به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان لایحه قانون احزاب با سکوت خود نخواسته‌اند که خود را درگیر این مسائل کنند و مسئولیت

۱. ر.ک: فرج‌اللهی، رضا، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص. ۲۹.

2. Delmas Marty, Mireille, Droit Penal Des Affaires, Partiene General, Tome 1, Pfi, 1996, p. 122.

به نقل از همان، ص. ۱۸۳.

کیفری در مورد احزاب را به سکوت نهاده‌اند. بر اساس اصل براءت، تا زمانی که قانون‌گذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را جداگانه به رسمیت نشناخته است، نمی‌توان بر مسئول بودن آنها حکم صریح نمود. اما همان‌گونه که اشاره کردیم، در اقدامی مثبت در قانون مجازات اسلامی جدید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناسایی شده است. ماده ۱۴۳ این قانون که در این رابطه است، فقط تا حدی منطبق با نظر ارائه‌شده ما برای تبیین مسئولیت کیفری احزاب است. گفتیم که «جرایم حزبی» جرایمی هستند که یا تنها توسط نهاد حزب قابل ارتکاب هستند و یا اینکه در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند، ارتکاب یافته و خالی از هر گونه خشونت باشند؛ لذا اکثر مواردی که طبق این قانون مسئولیت کیفری بر شخصیت حقوقی حزب تحمیل می‌شود، همان «جرایم حزبی» می‌باشند. زیرا جرایم حزبی در هر حال در راستای اهداف حزب ارتکاب می‌یابد. «جرایم حزبی‌شده» نیز جرایمی هستند که خود شخص حقیقی بار مسئولیت آن را به دوش خواهد کشید. البته همان‌گونه که قبلاً توضیح دادیم، در مواردی که شخص حقوقی حزب مجازات می‌شود، این امر نباید مانع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم باشد و در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید نیز به درستی به این امر اشاره شده است. با این حال با توجه به اینکه در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید، بر خلاف ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای، برای مسئولیت کیفری شخص حقوقی، ارتکاب جرم به نام «یا» در راستای منافع آن کافی است، بنابراین در مواردی احکام مستنبط از ماده ۱۴۳ برای بار کردن مسئولیت کیفری بر حزب با آنچه مدنظر ما در مورد جرایم حزبی یا حزبی‌شده است - در جایی که شخص حقیقی تنها «به نام» حزب مرتکب جرم می‌شود - تفاوت دارد. زیرا ممکن است یک فرد، اعمالی خشونت‌بار را - که در واقع خارج از مصادیق جرم حزبی است و در آن کیفر دادن شخصیت حقوقی حزب ناموجه می‌نماید - به نام حزب سیاسی خود مرتکب شود و حتی این اعمال در راستای منافع آن حزب هم نباشد. وجهه و اعتبار نام یک حزب، نقاب مناسبی برای انجام فعالیت‌های مجرمانه خواهد بود و ممکن است مورد استفاده اعضای عادی و سودجوی احزاب گردد که تنها با انگیزه‌های سوء به عضویت احزاب در آمده باشند. به عنوان مثال فردی از اعضای یک حزب به نام حزب و بدون اطلاع گردانندگان حزب اقدام به قاچاق انسان نماید. یا فعالیت‌های سودآور مجرمانه‌ای را به نام حزب و با انگیزه شخصی انجام دهد که هیچ مناسبتی با اهداف حزب در اساسنامه و مرامنامه آن نداشته باشد. این اعمال درست همان جرایم حزبی‌شده هستند که در لوای وجهه و اعتبار یک حزب سیاسی ارتکاب می‌یابند. در این حالت طبق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، شخصیت حقوقی حزب نیز مجازات خواهد شد. با توجه به مطالبی که گذشت، این نوع برخورد با جرایم سرزده از فعالان حزبی با مصالح تحزب سازگار نیست.

شاید بهتر است که کلمه «یا» از متن این ماده حذف شود و همانند ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای رفتار شود.^۱ هرچند که این تغییر باعث سهل‌گیری در مورد اشخاص حقوقی جرم‌ساز می‌شود. قانون‌گذار نیز در زمان تصویب این قانون به اشخاص حقوقی عادی (مخصوصاً تجاری) که معمولاً در ارتکاب جرایم نقش پررنگی دارند، توجه داشته است و کمتر به اشخاص حقوقی خاص مانند احزاب توجه نموده است که ارتکاب جرم از ناحیه آنها کم‌بسامد است. اما باز هم این راهکار مشکل ما را حل نخواهد کرد، چراکه ممکن است جرمی هم در راستا و هم به نام شخصیت حقوقی حزب ارتکاب یابد ولی با تعریفی که از جرایم حزبی ارائه گردید، هماهنگ نباشد. به نظر می‌رسد که شایسته است به علت خاص بودن این شخصیت‌های حقوقی و ارتباط اغلب جرایم احزاب با قواعد و احکام مربوط به جرایم سیاسی، مسئولیت کیفری آنها بر مبنای ماهیت سیاسی این جرایم به صورت جداگانه تبیین شود.

دلیل دیگر بر لزوم قانون‌گذاری افتراقی در مورد مسئولیت کیفری و جرایم و مجازات‌های احزاب آن است که از یک سو «امروزه احزاب سیاسی در غالب کشورهای جهان دارای منابع عظیم مالی و غیرمالی بوده و بعضاً از اقتدارات و اختیارات فوق‌العاده‌ای برخوردارند. این وضعیت تا بدان جا توسعه یافته که حتی انواع بزهکاری این احزاب نیز همگام با تحولات مدرن، تغییر شکل داده است و در قالب بزهکاری سازمان یافته و بعضاً مافیایی نمود می‌یابد.»^۲ از سوی دیگر، حساسیت نقش احزاب در توسعه سیاسی کشور و لزوم «تداوم حیات حزب، جدای از گردانندگان حزب» بر لزوم تحدید امکان مسئول شناختن احزاب تأکید می‌کند. لزوم تحدید مسئولیت در این مورد تا جایی است که کشورهایی مانند اتریش و لتونی و مقدونیه برای احزاب مصونیت از تعقیب قائل هستند.^۳ همچنین، توان مالی بالای احزاب و انگیزه‌های سیاسی آنها فارغ از مسائل اقتصادی باعث می‌شود که سودمندی مجازات‌های معمول برای اشخاص حقوقی، که بیشتر متناسب با طبع تجاری و اقتصادی آنها تبیین می‌شود، در مورد احزاب صدق نکند. این امر دلیل دیگری بر لزوم قانون‌گذاری افتراقی در مورد احزاب و لزوم تبیین مجازات‌های متناسب با خود آنهاست. در نتیجه، در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد که ملاک ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت تعریف مسئولیت کیفری برای احزاب سیاسی چندان با ماهیت سیاسی فعالیت آنها و خاص

۱. جهت دیدن نظر موافق با تبدیل «یا» به «و» رک: شریفی، محسن؛ و همکاران، منبع پیشین، ص. ۸۶.

۲. غلامی، حسین، «بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹، ص. ۱۷۱.

3. See: Federal Act on the Financing of Political Parties (Political Parties Act 2012 [Parteiengesetz 2012]).
Federal Law Gazette I No. 56/2012. & POLITICAL PARTIES ACTs, Official Gazette of the Republic of Macedonia" no. 76/2004, 5/2007, 8/2007, 5/2008.

بودن شخصیت حقوقی آنها سازگار نیست و بهتر است که در لایحه قانون احزاب اقداماتی در این جهت انجام شود.

۲-۳. عدم تناسب مجازات‌های مذکور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با مسئولیت کیفری احزاب

مستند قانونی موجود برای مجازات احزاب، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است و چنانچه احزاب را طبق همین ماده کیفر دهیم، مجازات این اشخاص حقوقی بر مبنای ماده ۲۰ این قانون اعمال خواهد شد. با توجه به طبیعت متفاوت احزاب و سایر اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری - که در نگارش ماده ۱۴۳ قانون توجه بوده‌اند - متأسفانه علاوه بر اینکه قوانین جاری، در مورد مسئولیت کیفری احزاب مناسب نیست، مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز نامتناسب است. در ماده ۲۰ این قانون آمده است: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف - انحلال شخص حقوقی

ب - مصادره کل اموال

پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج - جزای نقدی

چ - انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

تبصره - مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.»

در این ماده نکاتی وجود دارد. در لایحه قانون مجازات اسلامی متن این ماده به صورت دیگری بود و به جای عبارت «این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست» عبارت «علاوه بر مجازات شخص حقیقی، درباره مرتکب جرم» به کار رفته بود که گویای این مطلب است که مجازات شخص حقیقی در هر صورت بر وی اعمال خواهد شد. کما اینکه در ماده ۱۴۳ نیز آمده است که در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و این به معنای شناسایی مسئولیت کیفری مستقل برای اشخاص

حقوقی نیست. هرچند عبارت «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست» که در ماده ۱۴۳ آمده است، درست می‌باشد و در هر حال لزوم مجازات شخص حقیقی از آن برداشت نمی‌شود؛ اما متن ماده ۲۰ به گونه‌ای نگارش یافته بود که این لزوم را به ذهن متبادر می‌ساخت. شاید به همین جهت این ماده اصلاح شده و عبارت جدید که منطبق با ماده ۱۴۳ آن قانون است در متن ماده آورده شد. به نظر می‌رسد که در برخی از موارد، خصوصاً در مورد فعالیت‌های حزبی، بایستی این تلازم وجود نداشته باشد و به مجازات شخص حقوقی بسنده نمود و همیشه این‌گونه نباشد که با مجازات شخص حقوقی، اشخاص حقیقی نیز مجازات گردند. شناسایی مسئولیت کیفری مستقل برای احزاب به رشد و توسعه تحزب و به افزایش فعالیت‌های حزبی کمک می‌کند. از سویی دیگر، گاهی در عمل لزوم این استقلال احساس می‌شود. هرچند با قرائتی ضعیف از متن ماده ۲۰ مذکور در لایحه اولیه قانون مجازات اسلامی هم می‌شد عدم ملازمه مسئولیت شخص حقیقی را نیز برداشت کرد. اما در اقدامی مثبت، در نگارش این ماده تجدیدنظر شد و به عبارت انتهایی ماده ۱۴۳ بسنده شد، تا این قاضی باشد که تشخیص دهد در چه مواردی شخص حقیقی همراه با شخص حقوقی مجازات شود. شاید گفته شود که این کار به افزایش قدرت قاضی و اختیار او در مجازات و عدم مجازات شخص حقیقی منتج خواهد شد، اما این‌گونه نیست؛ زیرا ارکان و شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در قانون مشخص شده است.

انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن دارای شرایط خاصی است که در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از هدف نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد». در مورد انحلال احزاب در قانون فعالیت احزاب شرط خاصی ذکر نشده و تنها انحلال آن به دادگاه واگذار شده است. در نتیجه برای انحلال احزاب دادگاه بایستی شرایط مذکور در ماده ۲۲ را در نظر بگیرد. این ماده برای شخصیت‌های حقوقی، مخصوصاً برای احزاب، حاوی نتایج مفیدی است. زیرا باعث تداوم عمر حزب شده و دست قضا را در پایان دادن به عمر احزاب کوتاه می‌کند. این تداوم از ویژگی‌های بارز حزب در علوم سیاسی مطرح شده است.^۱ همچنین این ماده به درستی مواردی را ذکر کرده که انحلال حزب در این شرایط کاملاً منطقی جلوه کند.

۱. برای اطلاعات بیشتر، رک: رحیمی، حسین، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۸، ص. ۱۴۶.

بند سوم این ماده عام‌ترین مجازاتی را ذکر می‌کند که در مورد احزاب می‌توان به کار بست. مدت محرومیت می‌بایستی متناسب با جرم ارتکاب یافته و شرایط و اوضاع و احوالی باشد که جرم در آن ارتکاب یافته است. تدوین‌کنندگان قانون مجازات جدید، عبارت «یک یا چند فعالیت» را به کار برده‌اند، زیرا ممنوعیت از تمامی فعالیت‌ها به گونه‌ای همان انحلال حزب می‌باشد. باید توجه داشت که در مورد اعمال این بند در مورد احزاب نبایستی فعالیت‌های بنیادی احزاب که حیات حزب در گرو آن است را به طور دائم از حزب سلب نمود. به عنوان مثال نمی‌توان در راستای این بند، یک حزب را از مشارکت در انتخابات به طور دائمی محروم نمود، زیرا اساسی‌ترین هدف یک حزب شرکت در انتخابات برای کسب قدرت است و محرومیت از این فعالیت فرق چندانی با انحلال حزب ندارد و انحلال در بند اول ماده ۲۰ ذکر شده و در ماده ۲۲ مشروط به وجود شرایط خاصی شده است. بند چهارم و پنجم ماده ۲۰ بیشتر مربوط به اشخاص حقوقی تجاری می‌باشد. در بند ششم به جزای نقدی اشاره شده که معمول‌ترین مجازات اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی است. برای اعمال مجازات نقدی نیز حد و معیاری تعیین شده که در ماده ۲۱ همین قانون آمده است. طبق این ماده: «میزان جزای نقدی قابل اعمال برای اشخاص حقوقی دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود». طبق ماده ۱۹ همین قانون نیز میزان جزای نقدی برای اشخاص حقیقی با توجه به درجه جرم تعزیری مشخص شده است. پس قاضی برای محاسبه جزای نقدی اشخاص حقوقی بایستی به ماده ۱۹ مراجعه کند. به نظر می‌رسد که جزای نقدی به عنوان مجازات برای احزاب چندان مفید نباشد، زیرا از یک سو احزاب معمولاً به منابع مالی گسترده‌ای متصل هستند و از سوی دیگر میزان جزای نقدی با توجه به سقفی که ماده ۲۱ برقرار نموده است، مبلغ بالایی نخواهد بود تا باعث ایجاد فشار بر روی احزاب گردد. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین مجازات برای احزاب بند دوم (ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال) و بند هفتم این ماده (انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها) می‌باشد. مسأله مهم دیگر این است که چه جرمی چه مجازاتی دارد. این مسأله را باید با توجه به عبارت «با توجه به جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن» در متن ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی حل نمود. احتمال اول این است که درجات هشت‌گانه مجازات تعزیری در اینجا ملاک قرار گرفته شود. علاوه بر مشکلات اجرا نمودن این فرضیه (برای مثال: عدم انطباق جرایم اشخاص حقیقی و حقوقی و ناکارآمد بودن درجات هشت‌گانه در انتخاب مجازات‌های مذکور در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی) به نظر می‌رسد که عبارت «با توجه به جرم ارتكابی و نتایج

زیان بار آن» این امر را مدنظر ندارد و اختیار تعیین مجازات به طور کامل بر عهده قاضی نهاده شده است. در این صورت، قانون‌گذار علاوه بر دادن اختیارات فراوان به قضات هیچ ملاک مشخصی در دسترس آنها قرار نداده است. عبارات «جرم ارتكابی» و «نتایج زیان بار آن» نیز مبهم هستند. به نظر می‌رسد منظور از جرم ارتكابی، نوع جرم و اگر تعزیری باشد درجه مجازات آن جرم باشد. عبارت «نتایج زیان بار جرم» بسیار مبهم‌تر می‌باشد و معلوم نیست که قانون‌گذار چه نوع نتایجی را مدنظر داشته است. آیا تنها نتایج مادی مدنظر است و یا اینکه نتایج غیرمادی از جمله سیاسی، اجتماعی را نیز شامل می‌شود. در هر صورت تخمین آثار، یک امر نسبی است و از هر قاضی به قاضی دیگر ممکن است میزان آن نوسان شدیدی پیدا کند. با این حال، بهتر است که قانون‌گذار مجازات‌های اشخاص حقوقی را نیز مانند اشخاص حقیقی درجه‌بندی کند تا انتخاب مجازات و کیفرگذاری، که امری بسیار حساس است، برای دادگاه آسان‌تر باشد. این کار باعث می‌شود که اهداف مجازات نیز بهتر حاصل شود.



نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت حزب در جامعه به‌ویژه برای توسعه سیاسی و فرهنگی و اصل آزادی فعالیت احزاب و نقش احزاب در تحولات سیاسی اجتماعی جامعه، تدوین قوانین منسجم و همه‌جانبه‌نگر در مورد فعالیت احزاب هم می‌تواند مسیر رشد و ترقی احزاب را فراهم آورد و هم آنها را در مسیر صحیح و سازنده حرکت دهد. فارغ از اهمیت احزاب تا کنون قوانین جامعی در این خصوص تهیه نگردیده است. قوانین موجود نیز خالی از نگاه متخصصانه حقوق کیفری نسبت به احزاب بوده است.

هرچند مسئولیت کیفری احزاب مسئله مهمی است که با سؤال‌ها، موانع و راهکارهای متنوعی مواجه است؛ ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به نحو مستقل مورد بحث قرار نگرفته و لذا صرفاً در قالب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قابل پیگیری می‌باشد. بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید، در مواردی که جرم در راستای اهداف و یا به نام احزاب انجام گرفته باشد می‌توان احزاب را به یک یا دو مورد از مجازات‌های مذکور در ماده ۲۰ این قانون محکوم کرد. اما این احکام جهت تبیین مسئولیت کیفری احزاب کافی نیست. زیرا هرچند انتساب مسئولیت کیفری به شخصیت حقوقی حزب امکان‌پذیر گردیده است و از این جهت در پاره‌ای از موارد مفید می‌باشد ولی در برخی دیگر از موارد از جهت اجرایی و نیز ملاحظات جرم‌شناسانه قابل تأمل است. به همین دلیل در این مقاله تلاش گردید با تفکیک بین عناوین «جرایم حزبی» و «جرایم حزبی‌شده»، راهکاری برای نحوه تعیین مسئولیت کیفری احزاب ارائه گردد.

در اغلب کشورها، احزابی که اعضای آن مرتکب جرایم می‌شوند، عملاً در یک روند صرفاً سیاسی و نه حقوقی از عرصه‌ی سیاسی حذف می‌گردند. این امر به خاطر فقدان قوانین کیفری در مورد احزاب و گرایش دولت‌ها به سکوت و ابهام‌گذاری در این عرصه است. در ایران، هرچند امکان کیفر دادن و مسئول دانستن حزب با توجه به مواد قانونی مختلف وجود دارد و تصویب نهایی قانون مجازات اسلامی جدید نیز راه را برای این امر هموارتر ساخته است؛ اما چنانچه ملاک عمل قانون مجازات اسلامی باشد، علاوه بر مواردی که شخصیت حقوقی حزب به ناچار پاسخگوی جرم خواهد بود، باز هم اصل بر مجازات اشخاص حقیقی است و مجازات اشخاص حقوقی فرع بر مسئول دانستن اشخاص حقیقی است. به نظر می‌رسد که این رویه قابل تأمل می‌باشد و بهتر است بین مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی - خصوصاً در مورد فعالیت‌های حزبی - تفکیک صورت پذیرد. اولین گام برای نیل به چنین مقصودی شناسایی و تعریف جرایم حزبی و جرایم حزبی‌شده و نیز تعریف جرایم سیاسی می‌باشد. بر این اساس لازم است

ضمن توجه به مبانی نظری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، قانون احزاب از منظر حقوق کیفری صرف، مورد توجه قرار گیرد و مسئولیت کیفری احزاب بر این پایه تنظیم گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- تبریزی‌نیا، حسین، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۷۱.
- خرمی، قاسم، توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- دلاوری، ابوالفضل، «زمینه‌های ناپایداری احزاب سیاسی»، فصلنامه نقد و نظر، شماره سوم و چهارم، ۱۳۷۵.
- رحیمی، اکرم، موانع ساختاری نظام استبدادی و شکست احزاب سیاسی ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
- رحیمی، حسین، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۸.
- زراعت، عباس، جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.
- شاملی، مجید، «زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکت‌های سهامی»، نشریه وکالت، شماره ۲۷ و ۲۸، دی‌ماه ۱۳۸۴.
- شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ عیسایی‌تفرشی، محمد؛ و محمد فرجیها، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۸۲.
- غلامی، حسین، «بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹.
- فرج‌اللهی، رضا، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- _____، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- تیندر، گلن، تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- محسنی، فرید، «تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها از نظر تا عمل»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- نقیب‌زاده، احمد، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸.
- یوسفی، ولی‌اله، احزاب سیاسی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۵۱.

-
- Delmas Marty, Mireille, Droit Penal Des Affaires, Partiene General, Tome 1, Pfi, 1996.
 - Martin, Elizabeth, Oxford Dictionary of Law, 7th edition, Oxford, Oxford University Press. 2003.
 - Wells, Celia, Corporation and Criminal Responsibility, 2nd edition, Oxford, Oxford University Press, 2001.

